

شهرام ترابی^۱

نظرات روسیه، جمهوری آذربایجان، و قزاقستان که در ابتدای طرح مسأله رژیم حقوقی دریای خزر از یکدیگر متفاوت به نظر می‌رسید به مرور زمان تا حدود زیادی به یکدیگر نزدیک شده به طوری که اینک اختلاف مهمی میان آنان که مانع از دستیابی آنها به توافقی جمعی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر شود وجود ندارد. چهار کشور دیگر ساحلی در اصل ماهیت وضعیت رژیم حقوقی دریا نظرات یکسان دارند و جز در اختلاف جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در شیوه تقسیم نیز اختلافی میان آنان نیست. در اختلاف ترکمنستان و آذربایجان نیز چون هر دو کشور ملاک و معیار تعیین حدود را قواعد حقوق بین‌الملل دریاها می‌دانند رفع اختلاف چندان مشکل نیست و نهایتاً از طریق مکانیسم‌های پیش‌بینی شده برای حل اختلافات حقوقی بین‌الملل قابل حل خواهد بود. در این میان موضع جمهوری اسلامی ایران با بقیه متفاوت باقی مانده است.

ماحصل ده‌سال تلاش برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر شکل‌گیری یک وضعیت نظری دوگانه است که در یک سو روسیه و سه کشور ساحلی دیگر دریای خزر و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. در واقع طی این مدت، نظرات جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان، و ترکمنستان تا حدود زیادی به یکدیگر نزدیک شده جمع متفق‌النظری در مقابل ایران به وجود آمده است. همین اتفاق نظر موجب شده است که دیگر کشورهای ساحلی به‌رغم صحبتی که در مورد لزوم تصمیم‌گیری جمعی می‌شود دو به دو به توافقه‌های مهمی دست یابند، توافقهایی که مشکل رژیم حقوقی دریای خزر را تا حدود زیادی میان آنها برطرف می‌سازد.^(۱) بر این اساس چنانچه نظرات جمهوری اسلامی ایران نیز با نظرات دیگر دول همخوانی یابد دستیابی به توافقی جمعی در مورد رژیم حقوقی ساحلی دریای خزر حاصل است و

۱. آقای شهرام ترابی سرپرست واحد اطلاعات و ارتباطات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

زمینه برای برقراری زودتر یک همکاری ساحلی منطقه‌ای - که اساس آن بر توافق در مورد رژیم حقوقی دریا قرار دارد - مهیا می‌باشد.

اما نزدیکی و مشابهت مواضع دیگر کشورها به این معنا نیست که آنها در همه زمینه‌ها با یکدیگر توافق دارند. در واقع صحبت از نزدیکی و مشابهت نظرات میان آنها یک امر نسبی است که در مقایسه با تفاوت نظر کلی که با دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران وجود دارد مصداق پیدا می‌کند. در مورد دیدگاه‌ها و نظرات جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر که عمدتاً بر نظریهٔ مشاع و موهوم بودن خط آستارا - حسینقلی و - در نقیضی با نظریه مشاع - موافقت با تقسیم، سهم مساوی طلبیدن از دریا، و تقسیم بستر و بالا به‌طور یکسان است مطالب زیادی ابراز شده است. لذا این مقاله تلاش خود را مصروف بررسی تشابه و تفاوت نظرات میان دیگر کشورها می‌دارد و نشان می‌دهد چطور به دلیل غیراساسی بودن تفاوت دیدگاه‌ها، این کشورها توانسته‌اند به اجماع نظری نسبی میان خود دست یابند.

مقابله دیدگاه‌های قزاقستان و جمهوری آذربایجان

بررسی مشابهت و تضاد دیدگاه‌های دیگر کشورهای ساحلی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر را با بررسی مواضع قزاقستان و جمهوری آذربایجان نسبت به هم آغاز می‌نماییم چرا که دیدگاه‌های این دو بیانگر دو دیدگاه اساسی موجود در مورد رژیم حقوقی دریای خزر است، دو دیدگاهی که از ابتدای طرح مسألهٔ رژیم حقوقی، هریک از سوی یکی از این دو کشور اتخاذ و کم‌وبیش مستمراً بر همان اساس دنبال شده است.

قزاقستان حقوق بین‌الملل دریاها را در دریای خزر قابل اقتباس دانسته و الگوی نظری خود می‌داند. حقوق بین‌الملل دریاها تکلیف کشورهای ساحلی را در همهٔ زمینه‌ها مشخص می‌سازد و مسألهٔ لاینحل موجب اختلافی باقی نمی‌گذارد. در حقوق بین‌الملل دریاها وضعیت تقسیم بستر و منابع بستر دریا مشخص است، وضعیت کشتیرانی و ماهیگیری در دریا روشن

است، حدود صلاحیت دولت‌ها در آبهای ساحلی براساس کمربندها و مناطق مختلف آبی معین است.

جمهوری آذربایجان اساس نظر خود را بر تقسیم دریا به بخش‌های ملی قرار داده است. بر این اساس دریابه پنج بخش مختلف تقسیم می‌شود که هر دولت در بخش خود از حقوق حاکمیت و صلاحیت تام و تمام ملی برخوردار است. با این زمینه از دیدگاه کلی دو کشور، نقطه نظرات هر یک از آن دو را در مسایل اصلی حقوقی دریا به شرح زیر می‌توان مشخص نمود:

تقسیم

هر دو کشور هم قزاقستان و هم جمهوری آذربایجان معتقد به تقسیم دریای خزر هستند. قزاقستان این تقسیم را مطابق الگوی حقوق دریاها و جمهوری آذربایجان مطابق تقسیم به بخش‌های ملی مطرح می‌سازد. هر دو دولت هم در اصل تقسیم و هم در شیوه تقسیم و تعیین حدود - حیطة تحت صلاحیت یا بخش ملی - اتفاق نظر دارند. اصل تقسیم در مقابل نظریهٔ مشاع یا بهره‌برداری مشترک مطرح می‌شود. شیوهٔ تقسیم بر اساس خط میانه^۱ در مورد کشورهای روبرو و خط متساوی‌الفاصله یا نیمساز^۲ در مورد کشورهای مجاور مربوط می‌شود و در مقابل تقسیم براساس توافق یا تراضی یا شرایط خاص دیگر می‌آید. به دلیل همین اتفاق نظر در شیوهٔ تحدید حدود مرزهای بستر آبی است که سهم هر دولت چه اصل حقوق دریاها و چه اصل بخشهای ملی مورد نظر باشد تفاوتی نمی‌کند و حیطة تحت صلاحیت و بخش ملی در بستر، همسان و هم‌اندازه هستند. بر همین اساس هم قزاقستان و جمهوری آذربایجان نسبت به امضای موافقتنامه‌ای میان خود در مورد تحدید حدود مرزی بستر و زیربستر در دریای خزر اقدام کرده‌اند. در سال ۱۹۹۷ قزاقستان و جمهوری آذربایجان موافقت کردند که نسبت به رعایت حدود مرزی بخش‌های یکدیگر براساس خط میانه متعهد باقی بمانند.^(۲) با توجه به توافق

1. Median Line

2. Equaldistance Line

مشابهی که میان روسیه و قزاقستان از یکسو و روسیه و جمهوری آذربایجان از سوی دیگر به عمل آمده است به نظر می‌رسد سهم قزاقستان از این تقسیم حدود ۱۱۳ هزار کیلومتر مربع، تقریباً ۲۵/۲۸٪؛ سهم روسیه حدود ۶۴ هزار کیلومتر مربع، تقریباً ۱۶٪؛ و سهم ادعایی جمهوری آذربایجان پیش از تعیین تکلیف وضعیت مرزهای بستر دریایی اش با ایران و ترکمنستان حدود ۸۰ هزار کیلومتر مربع، تقریباً ۲۰٪ باشد. (۳)

همکاری‌های بین‌المللی قزاقستان و جمهوری آذربایجان در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع دریا

در این معنا دو دولت با یکدیگر اتفاق نظر کامل داشته و هماهنگی‌ها و همکاری‌های متعددی به عمل می‌آورند. فعالیتهای بین‌المللی دو دولت قزاقستان و جمهوری آذربایجان بیشتر جنبه مکمل و تقویت‌کننده و در مواردی جنبه رقابت با یکدیگر را دارد. آنها در تعیین مسیرهای انتقال انرژی، احداث خطوط لوله، جلب مشارکت شرکتهای بزرگ نفتی، کسب اعتبارات بین‌المللی با یکدیگر همکاری و در عین حال رقابت دارند. جنبه بین‌المللی بخشیدن به همکاری‌ها در دریای خزر برای این دو کشور از مسایل فنی فراتر رفته ابعاد سیاسی و امنیتی دارد. در واقع آنها اساسی‌ترین راه حفظ استقلال و تمامیت بازیافته خود را در بسط و توسعه همکاری‌ها با ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و در عضویت در برنامه گسترش صلح پیمان ناتو می‌بینند. در واقع از طریق این همکاری‌ها است که این دو کشور می‌کوشند در موقعیتی قرار گیرند که بتوانند در مقابل نفوذ و اعمال نظرهای سنتی برادر بزرگتر - روسیه فدراتیو - از یکسو و همسایگان جدید از سوی دیگر مقاومت و ایستادگی نشان دهند.

کشتیرانی و تردد در دریای خزر

قزاقستان همان حقوقی را که حقوق بین‌الملل دریاها قائل است برای کشتیرانی و تردد

در دریای خزر قبول دارد. اصل در حقوق بین‌الملل دریاها آزادی تردد و کشتیرانی در دریاست. نظر جمهوری آذربایجان در مورد تقسیم دریا به بخش‌های ملی نگرانی‌هایی را در مورد محدود شدن آزادی تردد در دریای خزر به وجود آورده بود و موضوع اختلاف نظر اصلی دیدگاه‌های قزاقستان و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌داد. جمهوری آذربایجان برای اصلاح این ایراد، اینک در پیشنهاد تقسیم دریای خزر به بخش‌های ملی، مسأله کشتیرانی و ماهیگیری را از مسأله بستر مجزا کرده است. بر این اساس در شرایطی که در مورد نحوه تقسیم دریا با قزاقستان اختلافی از نظر نتیجه به چشم نمی‌خورد چنانچه توافقهایی جداگانه در مورد کشتیرانی و ماهیگیری نیز منطبق با شرایط معین شده توسط حقوق دریاها باشد در این وجوه نیز نظرات دو کشور یکسان و مشابه خواهد بود.

استناد به قراردادهای گذشته

قزاقستان به دنبال تعیین رژیم حقوقی جدیدی در دریای خزر است و با توجه به تغییر اوضاع و شرایط در دریا از یک دریای بسته معاهداتی به یک دریای باز بین‌المللی - به معنای دریایی که به عوض دو دولت پنج دولت ساحلی دارد و کشورها در برقراری همکاری با کشورهای غیر ساحلی محدودیتی ندارند - هیچ ضرورتی به استناد به قراردادهای گذشته، اعتبار داشتن، یا مبنا دانستن آنها برای رژیم حقوقی جدید نمی‌بیند. دو دلیل احتمالاً دلایل اصلی مخالفت قزاقستان در استناد به قراردادهای گذشته را تشکیل می‌دهد. دلیل نخست آنکه قراردادهای گذشته در شرایطی تنظیم و امضا شده بودند که هنوز حقوق دولت‌ها در دریاها به صورت حقوق شناخته شده و قابل قبول بین‌الملل در نیامده بود و از این رو قراردادهای پیشین در بسیاری موارد این حقوق را نادیده گرفته است. قراردادهای پیشین در مورد تقسیم بستر و زیربستر دریا مطلبی ندارد. شرایط کشتیرانی و ماهیگیری آن با حقوق دریاها مغایر است و برای دولتهای ساحلی حقوق مساوی و برابر قائل نیست. مسأله دوم این است که در قراردادهای پیشین از

دریای خزر به عنوان دریای ایران و شوروی نام برده شده است که این از طرفی می تواند متضمن معنای بسته بودن به تعبیر سیاسی معاهداتی باشد که در راه همکاری های بین المللی ایجاد مانع و مشکل نماید و دیگر اینکه با احساسات و تمایلات قزاقستان که خود را دولتی مستقل و صاحب حق در دریای خزر می شناسد منافات دارد.

جمهوری آذربایجان ضمن اینکه مشابه قزاقستان، از این پس دریای خزر را دریای ایران و شوروی نمی بیند اما به ملاحظاتی تمایل دارد که در تعیین رژیم حقوقی جدید آن به قراردادهای پیشین و وضعیتی که قراردادهای پیشین داشت نیز تأکید و استناد شود. جمهوری آذربایجان به خلاف نظر رایج در ایران دریای خزر را به استناد همان قراردادهای پیشین یک دریای منقسم می داند و خط آستارا - حسینقلی را محور این تقسیم به حساب می آورد. مطابق روایت آذری ها در ۱۸۸۱، بعد از اینکه روسیه موفق شد تمام سرزمینهای اطراف دریای خزر - به استثنای ایران - را به تصرف خود درآورد موافقتنامه ای با ایران امضا کرد که در آن حدود مرزها معین شده بود. این موافقتنامه دریای خزر را بین دو کشور بر محور خط آستارا - حسینقلی تقسیم می کرد. بعد از انقلاب بلشویکی معاهدات روسیه و ایران در فوریه ۱۹۲۱ و مارس ۱۹۴۰ توافق هات قبلی را مورد تأکید قرار دادند. این قراردادها خزر را به بخشهای ایرانی و روسی تقسیم می کرد و داشتن یک ناوگان رزمی را برای ایران در دریا ممنوع می داشت. حتی با اینکه ایران بارها این نحوه تقسیم را ناعادلانه خوانده بود، همین توافق ها مبنای وضعیت دریای خزر را تا پیش از سقوط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل می داد. در ۱۹۴۲، ۱۹۲۷، ۱۹۵۷، ۱۹۶۳، ۱۹۷۲، و ۱۹۸۰ موافقتنامه ها و پیمان های دیگری بین شوروی و ایران امضا شد. این موافقتنامه ها حیطه های تجارت، دریانوردی، و همکاری را در منطقه خزر مشخص می ساخت. در درون اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز خزر بین جمهوری های خزری شوروی (فدراسیون روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان) تقسیم شده بود و هر جمهوری مسئولیت بخش خود را بر عهده داشت.^(۴) دلیل اصلی مخالفت جمهوری آذربایجان

با نظر قزاقستان در مورد الگو قرار گرفتن حقوق بین‌المللی دریاها بر وضعیت دریای خزر و اساس قرار دادن نظر خود بر تقسیم هم به دلیل همین برداشت و تصویری است که جمهوری آذربایجان از وضعیت دریا در گذشته و قرار دادهای پیشین دارد. در واقع آنچه را که جمهوری اسلامی ایران مستند مشاع دانستن دریا قرار می‌دهد آذربایجانی‌ها مستند منقسم بودن دریا محسوب می‌دارند، تقسیمی که اگر در مورد شکل آن با دیگر کشورهای تازه استقلال یافته ابهام و تردیدی وجود داشته باشد در مورد مرزهای دریای جنوبی تکلیف کار را کاملاً مشخص ساخته است. اگر جمهوری آذربایجان نظر قزاقستان را می‌پذیرفت مجبور بود نسبت به تحدید حدود مرزهای دریایی خود با ایران در جنوب بر اساس قواعدی که حقوق بین‌الملل دیکته می‌کند اقدام نماید که چنین چیزی را به ضرر خود تشخیص می‌دهد. در واقع استناد جمهوری آذربایجان به قرار دادهای پیشین و عرف و رویه موجود در دریا همگی برای حفظ وضعیت مرزهای دریایی آن به شکل متصور قبلی آن با ایران است. تعیین مرزهای دریایی ایران و جمهوری آذربایجان بر اساس حقوق دریاها می‌تواند به معنی $\frac{1}{5}$ تا $\frac{2}{5}$ کاسته شدن از سهم جمهوری آذربایجان در دریای خزر و اضافه شدن آن به سهم ایران باشد. اگر تعیین حدود مرزهای دریایی با ترکمنستان نیز بر همین اساس نتایجی را در بر داشته باشد سهم ایران به حدود بیست درصد و بیشتر از آن افزایش می‌یابد و چنین چیزی می‌تواند زمینه را برای یک توافق جمعی مورد اتفاق نظر همگان هموار نماید.

مقابله دیدگاه‌های روسیه و قزاقستان

روسیه و قزاقستان کمترین اختلاف نظر را میان دیدگاه‌های خود دارا هستند. در مورد تقسیم بستر و زیربستر دریا و تحدید حدود مرزهای دریایی خود توافق داشته‌اند و موافقتنامه دوجانبه‌ای امضا کرده‌اند. در ژوئیه ۱۹۹۸ روسیه و قزاقستان موافقتنامه دوجانبه‌ای امضا کردند که بر اساس آن مناطق شمالی دریای خزر بر مبنای خط میانه بین دو کشور تقسیم می‌شود.

براساس این موافقتنامه، قرارداد روسیه با ایران در مورد تقسیم دریای خزر که به دوره شوروی برمی‌گردد تا قبل از دستیابی به توافقی جدید میان همه کشورهای ساحلی به قوت خود باقی خواهد بود.^(۵) روسیه با تقسیم مساوی دریا به بخش‌های ۲۰ درصدی مساوی مخالف است. به نظر روسیه راه حل ۲۰ درصدی مشکلی را حل نمی‌کند چرا که برای این منظور لازم می‌آید از سهم ۲۹ درصدی قزاقستان کم شود^(۶) در مورد کشتیرانی هر دو کشور دیدگاه‌های مشابهی دارند و بر آزادی کشتیرانی در دریای خزر تأکید می‌ورزند. در مورد ماهیگیری نیز تفاوت نظری میان دو کشور به چشم نمی‌خورد. تنها در بحث اعتبار و استناد به قراردادهای پیشین تفاوت نظراتی میان دو کشور وجود دارد. موضع قزاقستان در این زمینه تشریح شد. چیزی که می‌توان به آن افزود این است که قزاقستان از آن بیم دارد استناد به این قراردادها محدودیت‌هایی را در حق حاکمیت آن کشور بر مناطق دریایی و آبهای تحت صلاحیت و حاکمیت آن کشور و بر همکاری‌های خارجی و بین‌المللی آن کشور ایجاد نماید. اما روسیه در شرایطی که دوران گذر و تحولی را در ماهیت سیاسی خود طی می‌کند هنوز برخی تمایلات و رفتارهای سیاسی اتحادشوروی را از خود نشان می‌دهد. از جمله تمایلات مذکور این است که روسیه خود را همچنان متولی حفظ حدود و ثغور مرزهای اتحادشوروی سابق در همه سرحدات زمینی و دریایی آن - چه مربوط به خودش و چه مربوط به جمهوری‌های تازه استقلال یافته - می‌شناسد و در ارتباط با دریای خزر هم بر همین مبناست که بر اعتبار داشتن قراردادهای پیشین و لزوم استناد به آنها اصرار می‌ورزد. با استناد به این قراردادها و با اصرار بر اعتبار آنها روسیه هم همچون جمهوری آذربایجان، هر چند دیگر در همسایگی نزدیک ایران قرار ندارد، قصد ابقای وضعیت متصور موجود را دارد. در این زمینه روسیه نیز همچون جمهوری آذربایجان خط‌آستارا - حسینقلی را مرز دریایی ایران در دریای خزر می‌شناسد و تلاش می‌کند تحت شرایط جدید چیزی از امتیازات گذشته را در دریا از دست ندهد.^(۷) روسیه همچنین برای بسته نگه داشتن

دریای خزر و ممانعت از فعالیتهای بین‌المللی در دریا یا حداقل در کنترل و مراقبت خود داشتن آن تمایلاتی که از خصلتهای قدیم مایه می‌گیرد بروز می‌دهد که چنین تمایلاتی بشدت از جانب جمهوری آذربایجان و قزاقستان رد می‌شود.^(۸) نهایتاً روسیه مجبور است به سمت سیاست‌های بین‌المللی قابل قبول دموکراتیک‌تری روی آورد.

به‌رحال، در میان پنج کشور ساحلی نظرات روسیه و قزاقستان بیش از همه با هم مشابهت و سازگاری دارند و همین مشابهت موجب شده تا این دو زودتر از همه به توافقی در مورد تقسیم حدود مرزهای بستر دریایی نایل آیند و نسبت به امضای موافقتنامه دوجانبه‌ای با یکدیگر اقدام نمایند. روابط قزاقستان و ترکمنستان نیز بسیار مشابه است و اختلاف یا تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان آن دو وجود ندارد. روسیه و ترکمنستان نیز اختلاف اساسی در مسایل فی‌مابین خود ندارند. اما جانبداری مسکو از جمهوری آذربایجان در اختلافات آن کشور با ترکمنستان موجب شده تا بین روسیه و ترکمنستان نیز اختلافاتی بروز کند.

مقابله دیدگاههای روسیه و جمهوری آذربایجان

تقسیم

دو دولت روسیه و جمهوری آذربایجان با اینکه هر دو معتقد به تقسیم دریا هستند اما بین دیدگاههای آنها تفاوت مهمی وجود دارد. روسیه تقسیم را تنها برای بستر دریا و بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر دریا قابل قبول می‌داند. جمهوری آذربایجان تقسیم دریا را به بخش‌های ملی پیشنهاد می‌کرد که این می‌توانست بستر و روی بستر و آبهای سطحی را نیز شامل گردد. با توجه به مخالفت‌های شدید روسیه و قزاقستان به تقسیم آبهای سطحی به بخشهای ملی جمهوری آذربایجان در پیشنهاد تقسیم خود تعدیلاتی به‌وجود آورد و اینک مسأله تقسیم را تنها برای بستر مطرح می‌سازد. با یک چنین زمینه توافقی نظری دو دولت موافقتنامه‌ای منعقد کرده‌اند که وضعیت بستر تحت صلاحیت یا مالکیت هریک را در دریا در

مناطق همجوار مشخص می‌سازد. در ژانویه ۲۰۰۱ حیدرعلی‌اف، رئیس جمهور جمهوری آذربایجان و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در بیانیه مشترکی در مورد تقسیم بستر دریا توافق کردند اما تأکید ورزیدند که دریاوردی در تمامی سطح آب دریا باید آزاد باشد.^(۹)

همکاری‌های بین‌المللی کشورهای ساحلی با دیگر کشورها

جمهوری آذربایجان همچون قزاقستان به دلایل متعدد اقتصادی، فنی، و سیاسی علاقمند به توسعه این همکاری‌ها و آزاد و مخیر بودن در برقراری این همکاری‌هاست. روسیه ضمن اینکه به ضرورت این همکاری‌ها اذعان دارد اما تلاش دارد نوعی محدودیت و کنترل را بر این همکاری‌ها اعمال نماید. سیاست مشخص روسیه در این زمینه و در بسیاری موارد دیگر در عرصه بین‌المللی نه ایفای نقش یک ابرقدرت برابر بلکه ایفای نقش قدرتی است که در هر کار و فعالیت و برنامه‌ای برای خود سهمی طلب می‌نماید. نمونه مشخص این تلاش‌ها را در اصرار روسیه در سهم بودن شرکتهای نفت و گاز روسیه در قراردادهای بین‌المللی اکتشاف و بهره‌برداری منابع نفت و گاز دریای خزر و یا اجبار استفاده از کرایدورهای قبلی انتقال خطوط لوله در روسیه برای نقل و انتقال نفت و گاز می‌توان مشاهده نمود.

قراردادهای گذشته

در مسأله تقسیم و آنجا که به تعیین وضعیت تقسیم بستر دریایی ایران و جمهوری آذربایجان مربوط باشد به نظر می‌رسد روسیه از موضع جمهوری آذربایجان جانبداری کند. یکی از موارد اتفاق نظر کامل دو کشور جمهوری آذربایجان و روسیه اصرار آنها به اعتبار قراردادهای پیشین و روبه معمول و متداول در دریای خزر است که از آن موضوع تقسیم دریا بین ایران و اتحاد شوروی سابق براساس خط آستارا - حسینقلی را پی می‌گیرند.

کشتیرانی

در مسأله کشتیرانی دیدگاههای دو کشور تا مدتی متفاوت و مغایر با یکدیگر به نظر می آمد. ابهام موجود در پیشنهاد جمهوری آذربایجان مبنی بر تقسیم دریا به بخش‌های ملی این گمان را به وجود می آورد که برابر این تقسیم کشورها بتوانند در بخش ملی خود از دریانوردی دیگر کشورها ممانعت به عمل آورند. این ابهام با توافق دو جانبه‌ای که میان رؤسای جمهور روسیه و جمهوری آذربایجان در ژانویه سال ۲۰۰۱ انجام گرفت برطرف گردید. و دو طرف بر آزادی کشتیرانی در تمام سطح آب دریا - باز بدون منظور داشتن حقوق حاکمیت دولتهای ساحلی در محدوده آبهای داخلی و سرزمینی و در مطابقت با قراردادهای گذشته میان ایران و شوروی - تأکید ورزیدند.

مقابله دیدگاههای ترکمنستان و جمهوری آذربایجان

ترکمنستان و جمهوری آذربایجان دو کشور جنوبی دریای خزر هستند. جداً از اختلاف نظرهای اساسی ایران با دیگر کشورهای ساحلی یکی از دیگر موارد اختلاف میان کشورهای ساحلی به اختلاف بین ترکمنستان و جمهوری آذربایجان مربوط می‌گردد. مشابهت و مغایرت دیدگاههای این دو را به شرح زیر می‌توان بیان داشت:

تقسیم

هر دو دولت ترکمنستان و جمهوری آذربایجان با اصل تقسیم دریا و اینکه دریا در گذشته در درجه اول بین شوروی و ایران و در درجه دوم بین جمهوری‌ها حالت تقسیم را داشته است متفق‌النظر می‌باشند. هر دو کشور حقوق بین‌المللی را اصل اساسی ناظر بر این تقسیم می‌دانند. مشکلی که هست و همین مشکل به اختلاف بزرگی میان این دو منجر شده در شیوه تقسیم و ملاحظات مربوط به تقسیم است. از جزئیات این اختلاف و ادعاهای هر دو طرف اطلاع

دقیقی در دست نیست؛ اما می‌توان حدس زد که اختلاف حول دو محور می‌باشد. در درجه اول جمهوری آذربایجان بر تقسیم براساس خط میانه اصرار دارد و جزایر و برآمدگی‌های دریایی را در شبه جزیره آبهشوران ملاک تعیین خط مبنای خود قرار می‌دهد؛ حال آنکه احتمالاً ترکمنستان اصرار دارد که تقسیم باید براساس خط مبنای ساحل اصلی صورت بگیرد و حدود مرزها توسط خط واسط^۱ انجام گیرد. این دو اصطلاح ظاهراً مترادف هم هستند ولی در منظورهای خاص حقوقی که به کار برده می‌شوند تفاوتی را ایجاد می‌کنند. خط میانه درست در وسط دریا واقع نشده فاصله آن به ترکمنستان نزدیک‌تر و از جمهوری آذربایجان دورتر است. محور دوم اختلاف احتمالاً به استناد آنها به مفاد حقوق دریاهای و یا قواعد حقوق بین‌الملل در مورد شرایط فلات خزری مربوط می‌شود که ترکمنستان مدعی است اگر آن ملاحظات ملاک قرار گیرد محدوده بخش ترکمنستان از منطقی‌ای که براساس تقسیم سابق داخلی در اتحاد شوروی بوده است فراتر می‌رود و سهم ترکمنستان چیزی بیشتر از ۲۰٪ خواهد بود. همین تفاوت دیدگاه موجب می‌شود که مناطقی از مناطق اثبات شده نفتی در دریای خزر در محدوده بخش یکی یا دیگری واقع شده یا واقع نشود. علت اصلی اختلاف در واقع ادعای دوطرف بر منابعی است که در دریای خزر در حد فاصل میان ساحل دو کشور گسترده است. به هر حال «جمهوری آذربایجان و ترکمنستان به عدم توافق خود در مورد اینکه خط تحدید حدود مرزی میان آنها کجا می‌باید واقع شود، بخصوص آنجا که به حوزه نفتی کاپاز / سردار^۲ مربوط می‌شود ادامه می‌دهند. ترکمنستان مکرراً از جمهوری آذربایجان خواسته است که به عملیات اکتشاف و بهره‌برداری خود در مناطق مورد اختلاف پایان دهد تا اینکه تکلیف وضعیت حقوقی دریای خزر و مرز محدوده آبی دو کشور مشخص شود. جمهوری آذربایجان در نقطه مقابل اظهار می‌دارد که تقسیم سال ۱۹۷۰ خزر توسط وزارت منابع نفت و گاز شوروی، که حوزه کاپاز را متعلق به جمهوری آذربایجان دانسته، ملاک عمل و مورد اعتبار است.^(۱۰) عدم توافق در مورد مرز تقسیم

1. Middle Line

2. Kyapaz/Serdar

بخش‌های دو کشور چنان شدت گرفته است که به ابراز اظهارات تند علیه یکدیگر در بهار سال ۲۰۰۱ انجامید و در ۴ ژوئن ۲۰۰۱ تا آنجا بالا گرفت که ترکمنستان تهدید کرد سفارت خود را در باکو تعطیل خواهد ساخت. حال در شرایطی که اختلاف در مورد حوزه کاپاز / سردار - حوزه‌های که آذربایجانی‌ها آن را کاپاز و ترکمنستانی‌ها آن را سردار می‌نامند - بیش از همه مورد توجه بوده است این تنها حوزه‌های نیست که دو کشور در مورد مالکیت آن با یکدیگر اختلاف دارند. ترکمنستان مدعی است که بخش‌هایی از حوزه‌های نفتی آذری و چراغ - که ترکمنستان آنها را خزر و عثمان - می‌نامد نیز در منطقه آبهای سرزمینی ترکمنستان واقع می‌شوند. بر همین اساس هم ترکمنستان اصرار دارد که فعالیت شرکت عملیات بین‌المللی جمهوری آذربایجان بر روی حوزه‌های آذری و چراغ متوقف شود.

دو کشور فوق در بسیاری مسایل دیگر، از جمله در مورد ماهیگیری، کشتیرانی، حفاظت محیط زیست، و مهمتر از همه در مورد ضرورت باز بودن دریای خزر و همکاری‌های بین‌المللی کشورهای ساحلی اتفاق نظر دارند. در برخی پروژه‌ها دو کشور دو عنصر اصلی همکاری هستند که مهمترین آن خط عبوری گاز از بستر دریای خزر است. در واقع بحث احداث این خط انحصاراً برای انتقال گاز ترکمنستان و قزاقستان به این سمت دریا و با عبور از جمهوری آذربایجان و ارمنستان و گرجستان به سمت اروپا مطرح است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت اگر - جدا از بحث ایران - در میان چهار کشور ساحلی دیگر موضوع مورد اختلاف مهمی باقی باشد که امکان دستیابی سریع به توافقی همگانی را در مورد رژیم حقوقی دریای خزر مانع شود همین اختلافات میان ترکمنستان و جمهوری آذربایجان است. اما تفاوت اختلاف جمهوری آذربایجان و ترکمنستان با اختلاف ایران و جمهوری آذربایجان و یا ایران و دیگر دول ساحلی که این دو اختلاف را از یکدیگر متمایز می‌سازد در این است که در یک اختلاف طرفین در اصول و چارچوب نظری وضعیت دریا توافقی دارند، حقوق بین‌الملل و حقوق دریاها را ملاک و معیار طرح دعوی خود می‌دانند و تنها در یک موضوع از

موضوعات دریاست که اختلاف نظر حقوقی دارند. بر همین اساس همچنین اختلافی در چارچوب مکانیسم‌های پیش‌بینی شده بین‌المللی برای رفع اختلافات قابل حل و فصل است. اما در مورد دیگر طرفین اساساً در اصول و مبانی نظری وضعیت حاکم بر دریا توافق ندارند و از این رو تا تکلیف کار بین طرفین روشن نشود حل حقوقی آن نیز میسر نخواهد بود. شاید نخستین گام در رفع این اختلاف دستیابی به توافقی کلی تحت عنوان «توافق بر اصول مورد موافقت در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر» باشد که بعد به استناد آن راه برای حل و فصل حقوقی اختلاف جمهوری آذربایجان و ترکمنستان و اختلاف دیدگاه‌های ایران و دیگر کشورها هموار شود. این همان وظیفه‌ای است که اجلاس آتی سران کشورهای ساحلی دریای خزر در دستور کار خود قرار داده است.

یادداشت‌ها

1. Caspian Sea Region: Legal Issues, *Energy Information Administration*, July 2001.
2. *Ibid.*
3. Khoshtakht Yusifzadeh, the Status of the Caspian, *Azerbaijan International*, Winter 1994.
4. Gorkhmaz Askarov, Border Games in the Caspian Sea: Newly Independent States vs Russia and Iran < Azerbaijan Country Review 1999/2000.
5. Caspian Sea Region: Legal Issues, *Energy Information Administration*, July 2001.
6. Michael Lelyveld, Caspian Sea: Littoral Nations Still at Odds, *Radio Free Europe*. <http://www.rferl.org>.
7. Russia, Kazakhstan and Azerbaijan Averse to Revision of Iranian - Soviet Border in Caspian Sea, *The Russian Oil*, No.84, 06/08/2001.
8. Russia Struggles to Stay in the Caspian Oil Game, *The Russian Journal*, Issues No.14 (14) 03/05/1999.
9. Caspian Sea Region: Legal Issues, *Energy Information Administration*, July 2001.
10. Caspian Sea Region: Legal Issues, *Energy Information Administration*, July 2001.